

جنگ جهانی و تنازع بقاء

علی اصغر فراسیون

یا

صلح جهانی و تعاون بقاء

لایلاس در کتاب «فرضیات» خود می‌نویسد ببینید چه پیشرفت‌هایی در نتیجه حسن تدبیر رؤسای کشورها برای ملل حاصل گردیده و بر عکس چه پرتگاه‌های مهیبی در اثر جاه‌طلبی و خیانت‌های حکومت‌ها در پیش آنها گشوده شده است .

بحکایت تاریخ هر دفعه که شخصیت بزرگی بر اثر عشق بفتح و پیشرفت بر احساسات خویش لباس افتخار و اهمیت می‌پوشد و اندیشه کشورگشائی و حکومت بر دنیا را در سر راه می‌دهد بلافاصله حس استقلال طلبی مللی را که مورد تهدید آن

قرار گرفته‌اند با یکدیگر متحد کرده و همواره مهاجم را مغلوب نموده‌است .
این سخنی که لاپلاس بیش از یک قرن پیش گفته شامل حقایقی است که
قانون جاودانی عالم بشمار میرود .

هر قدر که روحیه افراد یک ملت قوی باشد ، هر قدر که فتوحات آن عظیم و
با اهمیت محسوب گردد ، هر قدر تسلیحات آن در رأس سایرین قرار گرفته باشد
تا وقتی که وجود آن بمنزله یک تهدید دائمی برای سایر ملل محسوب گردد قدرت و
عظمتش ثباتی نخواهد داشت . خیلی از فاتحین در قدیم این تجربه را کرده‌اند و خیلی
از ملل هنوز هم بدان مشغولند .

بدون تردید از ابتدای پیدایش عالم بزرگترین شرط ادامه زندگی آمادگی
دائمی برای دفاع بوده و هر موجود غیر مسلحی محکوم بسقوط و فنا گردیده است ولی
افزایش دائمی تسلیحات که در ابتدا عامل اصلی قدرت یک ملت بشمار می‌آید عاقبت
او را بپرتگاه سقوط میکشاند یعنی قدرت نظامی که باید تمدن را از سقوط در مقابل
مخالفین حفظ کند خودش مهمترین دشمن تمدن است .

زیرا از یکطرف دولتهائی که دارای قدرت نظامی بزرگی هستند روز بروز
بیشتر بطرف اندیشه حکمرانی تمایل پیدا می‌کنند و میخواهند از نیروی تسلیحاتی
که برای آنها بی‌نهایت گران تمام شده است استفاده کنند از طرفی هم هر ملتی که
صلح جوئی خود را ثابت کرد در واقع ملل متجاوز و افزون طلب را برای هجوم و حمله
نسبت بخویش دعوت مینماید .

از طرف دیگر روز بروز فکر امکان حملات خارجی در ذهن دول و ملل توسعه
می‌یابد و این سوء ظن و عدم اعتماد که خیلی مؤثرتر از حس کینه و انتقام است آنها
را بسوی تسلیحات میکشاند و با شیوع این بیماری همینکه یکی بر آرتش و اسلحه
خود افزود دیگران هم خواه و ناخواه بر سپاهیان خود می‌افزایند و تقریباً همگی
بقدری قوای حاضر اسلح نگرهداری می‌کنند که حتماً می‌بایست در موقع هجوم اجنبی
نگاهداری کرده باشند و این کوشش عمومی و دائمی در مسابقه تسلیحاتی که در

اصطلاح امروز ما صلح جوئی نامیده میشود کم کم کار را بجائی میرساند که از کثرت سرباز و اسلحه دنیا بصورت سربازخانه در آید و همگی مانند ژنرالهای ویتنام شبها در حال حاضر باش بخوابند و در خواب و نگرانی يك چشم خود را باز نگذارند.

آیا نتیجه زحمات و کوشش هائی که در قرون متوالی گذشته در راه پیشرفت تمدن بعمل آمده فقط زندگی در سربازخانهها و کارخانهها و انتظار مرگ در جنگ است ؟

آیا نهایت مقصود اختراع و صنعت این است که متخصصین با وسائل تخریب و ماشینهای قتاله بدون دادن فرصت دفاع آنرا ملتی رانابود و شهرها واستحکامات آن را خراب کنند ؟

در چنین وضعی دوام مللی که با کلیه وسائل مجهز نشده و یکایک افراد آنها برای حفظ حقوق و منافع خود آماده مرگ نباشند غیر ممکن خواهد بود و کسی نمی تواند بیقای خویش مطمئن باشد و خود را حفظ کند .

گویا فهرست وقایعی که برخلاف کلیه پیش بینیهای ممکنه صورت گرفته فراموش شده باشد مثلاً شکست امپراطوریهای عظیمی مانند روسیه از دولت کوچکی مثل ژاپن و برعکس مقاومت کشوری چون بلژیک در مقابل قویترین امپراطوریهای عالم، یا اجتماع متفقین جنگ دوم و درهم کوبیدن رایش سوم !

آیا هیچ کس حدس میزد که دولتین فرانسه و انگلستان پس از ۲۷ سال اختلاف و شصت سال جنگ دائم در واقعه **فاشودا** بجای تجدید مخاصمه با یکدیگر متحد شده دوش بدوش هم بجنگند ؟

آیا باور کردنی بود که پس از شکست **شارلروا** ارتشی که در حال عقب نشینی بود ناگهان بایستد و حمله خطرناک قشون فاتح را با آن وضع عجیب دفع و آنها را مجبور به عقب نشینی کند ؟

آیا احتمال داده میشود که در جنگ اول فرانسه در مقابل آلمان مقاومت کند یا انگلستان داخل کارزار گردد یا ایتالیا معاهده خود را ملغی نماید یا امریکا دست

از بیطرفی دیرینه خود بردارد یا تمام دنیا بر علیه آلمانها متحد گردد؟

آیا احتمال داده میشود حمله که دولت آلمان در جبهه دوپست و هفتاد کیلومتری اورال - کورسک - پیلگورود بعد از چهارده روز گرفتار حمله متقابل و سخت روسیه شود و نیروی آلمانی پیشرفته با پنج هزار تانک از نوع «بیر» و «پلنگ» از پا در آید و اراضی و سیعی را که با فدا کردن میلیونها و با وعده و امید اینکه هزار سال از کشتزار زارهای او کرانی و معادن ذغال سنگ و آهن (دوتز) برخوردار میشوند بدست آورده بود از دست بدهد؟

آیا وقتی که ماشین جنگی آلمان در جبهه شرق پیشرفت میکرد و هر آن بیم تسلط بر سوئز و قطع خط ارتباطی ایران با روسیه شوروی از یکطرف و امریکا و انگلیس از طرف دیگر میرفت و خوش بین ترین مردان سیاسی را بشک و شبهه انداخته بود پیش بینی میشد که کشور ایران یکی از عوامل اساسی و اصلی پیروزی نهائی متفقین گردد و هنگامی که ارسال خواروبار با کشتی از امریکا برای شوروی و سایر مناطق نظامی خاور غیرمقدور بود یک مرتبه صحنه جنگ به نفع متفقین عوض شود و ایران با قمار ثروت خود خطوط ارتباط بین المللی خود را که در ظرف بیست سال ساخته و آماده کرده بود در اختیار متفقین قرار دهد و سه دولت نیرومند جهان را با هم ربط دهد و شرق و غرب عالم را بهم متصل کند و سبب صیانت جهازات جنگی امریکا و انگلیس در اقیانوس هند و دریای مدیترانه و سرانجام تفوق آنها بر نیروهای دریائی ایتالیا و آلمان شود و اسلحه و آذوقه بروسیه برساند و بقیه متراکه آهن و مواد غذایی سرشار خود و کارخانه های اسلحه و بارچه و چرم و سازمانهای صنعتی خویش پل پیروزی شود و خاتمه جنگ را تسریع کند . ؟

آیا این جنگجویان صلح طلب در صورت منفی یعنی شکست و عدم موفقیت غیر از مرگ توده های بشری و اتلاف مبالغ هنگفت پول و تحمل سالها اندوه و عزای عمومی چیزی خواهند یافت و در صورت مثبت که فتح و غلبه باشد حاصلی جز افزایش چند قطعه زمین یا خرابه که نگهداشتن آن باز مستلزم داشتن یک نیروی نظامی مقتدر

و دائمی از محالات عقلی است خواهند داشت.

آیا تجربیات گذشته برای راهنمایی ملل در طرق ناشناس آینده کافی است و میتوان نتیجه جنگ‌های جدید را از روی قواعد اساسی جنگهای گذشته پیش بینی کرد یا میتوان امیدوار بود که خاطره انهدام و خرابی‌های جنگ جهانگیر ظهور جنگ تازه‌ای را مدتها بتعویق اندازد یا اینکه بزودی دوره حیات بشر در غارها تجدید خواهد شد.

این اضطراب روحی و سیاسی که اکنون در سراسر عالم حکمفرمائی میکند و این زدو خورد عصبی که آرامش حیات بشری را برهم میزند رو به صلح است یا جنگ و آیا هیچ جنگی با میلیونها تلفات جانی و میلیارد ها انقلاب و پول و خسارات دیگر مادی و معنوی میتواند به نتیجه قطعی منتهی گردد و طرف غالب را غالب نگهدارد. با اینکه دلائل وقوع جنگ متعدد و دور از تصور و ادراک عادی است و وقتی نتوان علل حقیقی يك واقعه ساده مثلا سقوط سنگی را بر روی زمین کشف کرد کشف علل و عوامل فراوان و پیچیده بروز جنگ که اغلب از اصول عقلی و منطقی دور و بیگانه‌اند بنحو اولی مشکل است و باور نمی‌کنید که باقتضای قانون خون سردویرحم یا بهتر بگویم استدلال و حشیانه تنازع بقاء جنگ تجدید و تکرار شود و هر قدرت مادی با همان وسیله که فاتح میشود مغلوب گردد و دنیا را بازوم حکومت قانون عالی تعاون بقاء و قدرت معنوی و اخلاقی صلح عمومی متوجه و معتقد سازد!

شما شاید باور نکنید ولی انشتاین دانشمند شهیر و قتیکه مخبرین جرائد پرسیده بودند جنگ سوم باچه اسلحه‌ای خواهد شد؟ جواب داده بود سوم را نمیدانم چهارم با دندان است.

با تکیه حقی که انسان در کشتار حیوانات به نفع خود قائل است و صحت آن را عقل تصدیق میکند بعضی عقیده دارند که نژادهای بزرگ باید نژادهای کوچک را تحت نفوذ خویش در خود مستهلك کنند و اگر از این عقیده پیروی شود کلیه تمدن‌های بشری بدست مللی که آن‌ا قوی‌تر هستند مورد تهدید و نابودی قرار گرفته و نوع انسان

را باردیگر بدوره توحش و بربریت عودت خواهد داد.

وقتی صورت‌ذهنی‌هی‌فجایع دلخراش‌جنگ و کشتارهای دسته جمعی و عذابهای ناگفتنی که بشر متمدن در نتیجه وحشیگری‌های تمدن مادی خود متحمل شده در نظر مجسم شود لزوم صلح عمومی و ضرورت حکومت جهانی قانون جلوه میکند .

باید باین فکر بود که متکی بیک حکومت جهانی قانون صلح جهانی تأمین و

موضوع خلع سلاح عمومی در دنیا عملی گردد و جامعه بشری برای همیشه از کابوس

جنگ نجات یابد و هزینه تسلیحات صرف بهبود زندگی مردم شود .



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تذکر لازم

تا آخر آبان ماه آقایان سردفتران و دفترياران می توانند هر يك چهار هزار ريال به حساب شماره ۳ شرکت تعاون سردفتران و دفترياران بيانك اعتبارات ايران شعبه مرکزی پرداخته رسيد در دو نسخه دريافت و نسخه دوم را بکانون سردفتران ارسال دارند. از شهرستانها ميتوان بوسيله يکی از بانكها بحساب و بانك موصوف ايصاف فرمايند. در آذرماه مجمع عمومی برای انتخاب هيئت مديره دعوت خواهد شد و تا تصميم و اطلاع ثانوی سهم جديد داده نخواهد شد.

علی اصغر فراسیون